

معرفی کتاب

خاطرات مردمی از روزهای شهادت حاج قاسم سلیمانی در کتابی با نام «یک بغض و هزاران مشت» منتشر شده است. این کتاب به قلم علیرضا اشرفی‌نسب و توسط انتشارات رهایار روانه بازار نشر شده و دهمین جلد از عناوین ناشر درباره خاطرات مردمی از ایام شهادت سردار سلیمانی است. اهمیت خاطرات این کتاب، پرداختن به نقش و تأثیر زندگی شهیدان بر جوانان و ادامه راه آنهاست. در بخشی از مقدمه این کتاب درباره اهمیت ثبت خاطرات و زندگی شهیدان آمده است: «مصطفی احمدی‌روشن ۲۱ دی‌ماه ۱۳۹۰ به شهادت رسید. در مراسم وداع با پیکر شهید، ۲۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف خواهان تغییر رشته خود به رشته‌های هسته‌ای شدند. اتفاق مبارکی که رهبر انقلاب در یکی از سخنرانی‌های خود به آن اشاره فرمودند. آیا تنها کتفش مردمی متأثر از شهادت احمدی‌روشن و بقیه شهیدان هسته‌ای، منحصر به این نامه عزیزان دانشگاه صنعتی شریف

تأثیر زندگی شهیدان بر جوانان

بود؟ پاسخ یقیناً منفی است. سؤال اینجاست که انقلاب اسلامی در این ۴۰ سال حوادثی چون ترور شهید احمدی‌روشن و دیگر شهیدان هسته‌ای کم به‌خودش دیده است؟ در کدام یک از این حوادث و اتفاقات، کنش‌های اجتماعی و فرهنگی مردم سوزه قرار گرفته است...؟ خاطرات این کتاب، بخش کوچکی از دریای خاطراتی است که هنوز در سینه‌ها موج می‌زند. امیدوارم افراد و نهادهای فرهنگی دیگر همت کنند و تکمیل‌کننده پازل کنش‌های مردمی «مکتب سلیمانی» باشند... در بخش خاطرات مردم از شهادت سردار سلیمانی در کتاب «یک بغض و هزاران مشت» می‌خوانیم: «نه جنگ و جبهه را دیده بودند و نه علاقه‌ای به آن داشتند. حجاب هم که بیشتر برایشان شوخی بود. زمانی که رقت سوریه، تکیه انداختند که چند گرفتگی، رفتی؟» یا «چرا با آمریکا درمی‌افتیم و چرا همش حرف از جنگ می‌زنیم؟» حالا بعد از شهادت سردار رنگ می‌زدند و گریه می‌کردند که «چرا کاری نمی‌کنیم؟»

به همت بنیاد روایت فتح

دوره‌های آموزش محقق و نویسنده ادبیات پایداری به همت بنیاد روایت فتح و با توجه به نیاز جامعه برگزار می‌شود. مرتضی قاضی از استادان این دوره درباره لزوم برگزاری چنین دوره‌هایی می‌گوید: «در ادبیات پایداری با خلأ آموزش علمی مواجه هستیم. این خلأ باعث شده روایت فتح برای دوره آموزشی خود برنامه مفصلی بچیند. بنده چون ۷ سال دست به قلم نبردم و فقط به تحقیق و پژوهش پرداختم به این نتیجه رسیدم که شاید بتوانم در این راه به این کارگاه کمک کنم و مؤثر باشم. اینکه تصور نشود در یک کارگاه همه اطلاعات به شرکت‌کننده داده می‌شود یک خیال باطل است بلکه باید خود افراد تجربیات زیادی کسب کنند و همیشه در معرض آموزش باشند. باید عزیزانی که وارد این دوره می‌شوند از ابتدا مشخص شود که علاقه به این حوزه دارند یا خیر تا بتوانند با این امتیاز موفق شوند. با توجه به اینکه در حال حاضر

دوره آموزش محقق و نویسنده ادبیات پایداری برگزار می‌شود

در جامعه دچار مشکل جنگ روایت‌ها هستیم این علاقه‌مندی بسیار می‌تواند برای موفقیت در این راه کمک کند.» مهدی محمدخانی، مدیر انتشارات روایت فتح درباره جزئیات این دوره می‌گوید: «تربیت محقق و نویسنده ۲۶ سال در انتشارات روایت فتح ادامه داشته و ما تا تربیت نیروی جوان و باانگیزه سعی کردیم ظرفیت نیرو و در ادبیات پایداری بالا ببریم. با توجه به نیاز جامعه و نگاهی به تجربیات گذشته و مشورت استادان بنا شد دوره‌ای به نام دامون یا ظرفیت‌های جدیدی از نیروی آموزش‌ساز برگزار کنیم. این تصمیم می‌تواند کمکی به سایر نشرهای فعال در این حوزه هم باشد. نخستین دوره این آموزش‌ها فصل پاییز در محل انتشارات روایت فتح در این بنیاد فرهنگی با حضور دکتریحیی نبیازی، مرتضی قاضی و دیگر استادان این حوزه برگزار شد و دوره‌های بعدی اطلاع‌رسانی خواهد شد.»



همیشه یاداری

پرهیز از شعارزدگی و تلاش در باورپذیرتر کردن

احسان بیسادی  
فصل رسانه‌ای

روایت در یک معنا بازسازی امر واقع بر مبنای نگاه و گفت‌وگو حکم بر ذهنیت روایتگر است؛ روایتگر تلاش می‌کند وجوهی از واقعیت رخ داده را در روایت خود برجسته کند و البته وجوهی دیگر را مغفول بگذارد. از این رو روایت کاری بس خطیر و دشوار است و اشتباه در چینش و جوه بر خاسته از واقعیت می‌تواند مخاطب را از باور به روایت منحرف سازد؛ مسئله‌ای که بعضاً در مواجعه با روایتگری رویدادهای تاریخی مهم کشور همچون دفاع مقدس یا جریان مقاومت شاهد آن هستیم.

تردیدی نیست که عرصه دفاع مقدس و مقاومت تجلی‌گاه تحقق ارکان اصلی گفت‌وگو انقلاب اسلامی است؛ عناصری همچون استقلال طلبی، دین‌خواهی، معنویت‌گرایی، استکبارستیزی، حق‌طلبی و مواجعه با ظلم و بی‌عدالتی جهانی، اگر در رویداد و عرصه‌ای بخواهد تحقق عینی پیدا کند بدون شک عرصه دفاع مقدس و مقاومت است. بنابراین واضح است که دشمنان تلاش می‌کنند که نظام باز تولید روایت این عرصه را در آن‌ها عموم مخدوش کرده و با جایگزین کردن روایت خود پیگیره گفت‌وگویی انقلاب اسلامی را متزلزل کنند.

به‌دلیل وجود وجه حماسی و ایثارگرانه سرشار در تاروپود این رویدادهای مهم و تاریخ‌ساز عملاً گفت‌وگو غالب و ذهنیت روایتگران به سمت برجسته‌سازی این وجوه دفاع مقدس و جریان مقاومت رفته و از سایر ابعاد این رویدادهای مهم غفلت شده است؛ صرفه‌فروشی روایت تاریخی و واقع‌گراییانه شکست‌ها و پیروزی‌ها، تلاش در جهت نزدیک‌تر کردن قهرمانان عرصه‌های دفاع مقدس و مقاومت به افراد عادی جامعه، هر هیز از اسطوره‌سازی‌های اغراق‌روانه، روایت‌های یک‌سویه و بی‌توجهی به مسیر تحول شخصیتی جهادگران به‌صورتی باورپذیر، همه و همه موجب دور شدن مخاطب از باور به روایت روایتگران این عرصه می‌شود؛

البته توجه به اقتضای خاص هر مادیومی همچون فیلم، کتاب، موسیقی و... نیز در این عرصه نقش بی‌بدیلی را بازی می‌کند. تمام نکات گفته‌شده در یک بستر آرام و به‌دور از هر گفت‌وگو رقیبی می‌تواند نقش خود را ایفا کند؛ اما در اوضاع کنونی ما که عملاً تلاش در جهت قلب ماهیت ماجرا از سوی دشمنان با شدت و قدرت بسیار در جریان است کار دوچندان سخت‌تر از پیش است. امروزه به تعبیر رهبر حکیم انقلاب در افکار عمومی با جنگ روایت‌ها رویه‌رو هستیم و هر جریانی که بتواند پارادایم معنا‌سازی را از آن خود کند دست برتر را در همراه‌سازی افکار عمومی با روایت خویش از وقایع خواهد داشت. بنابراین تلاش روایتگران در باز تولید نظام معنایی و نگرشی حاکم بر دفاع مقدس و جریان مقاومت امری بسیار خطیر است که با پرهیز از شعارزدگی و تلاش در باورپذیرتر کردن آن در ذهن افکار عمومی به‌طور مستمر و پیوسته باید در دستور کار روایتگران عرصه جنگ‌نرم قرار گیرد.



صورت  
همراه با کارشناسان  
و مسئولان حوزه پایداری

روایتگری صحیح

سردار علی محمد نائینی، رئیس مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

باید مقابل روایت‌سازی ایستاد



گاهی روایت‌های مختلف با تحریف اتفاقات جنگ تحمیلی نقل می‌شود. اینکه چطور می‌توان صحت و سقم روایت‌های شنیده‌ای مصاحبه‌شونده‌ها را بررسی کرد مهم است. باید از جنبه‌های گوناگون دفاع مقدس، روایت درست و واقعی را تبیین کرد. تلاش ما این است که علاوه بر شرح دقیق و جزئی حوادث، معنی و باطن دفاع مقدس که ایستادگی و مقاومت بود، مورد توجه قرار گیرد. تاریخ شفاهی فرماندهان به‌عنوان یک منبع منحصر به‌فرد در پژوهش‌های دفاع مقدس، گنجینه ارزشمند و بی‌مانند اسناد است. گنجینه اسنادی و روایت شفاهی فرماندهان به‌طور قطع، مبنایی برای اعتبار سنجی روایت‌های دفاع مقدس است. در مقابل روایت‌سازی با اغراض سیاسی و روایت‌سازی از روی غفلت و فراموشی این گنجینه، نقش بازآرندگی دارد.

جهاد تبیینی که مقام معظم رهبری فرمودند، امروز کلیدی‌ترین میدان جنگ و نبرد است و چون ما با جریان تحریف مواج هستیم، این جریان پایان ندارد و بسیار فعال است. حضرت آقا فرمودند تک‌تک روزهای دفاع مقدس بوم‌الله بود یا همه شب‌های کربلای‌الشب‌ها قدر بود، همه آنها بوم‌الله بود و در جنگ نرم تحریف اینها هدف قرار می‌گیرد.

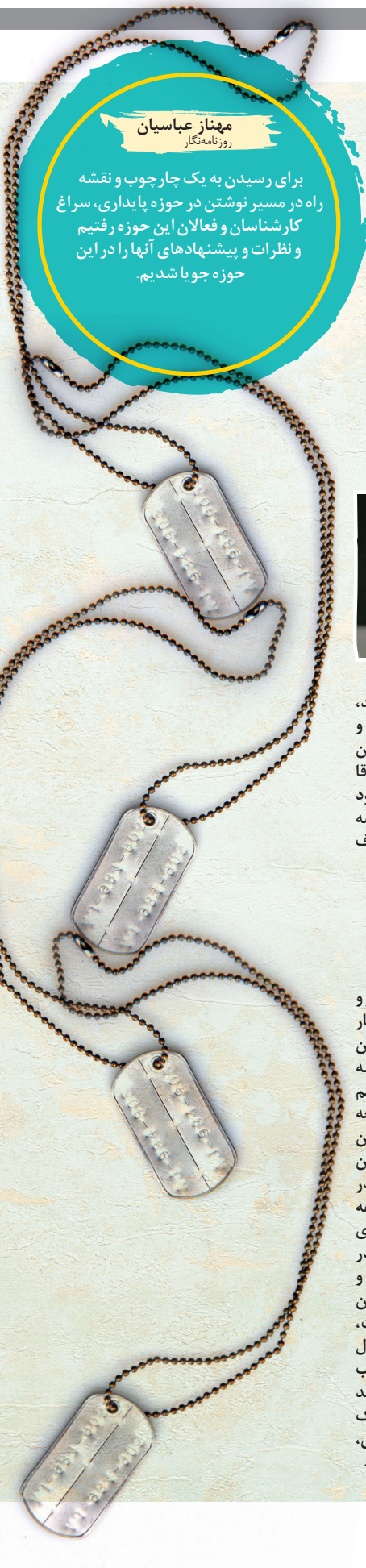
رضا شاعری، نویسنده و فعال رسانه‌ای

شهیدان را دست نیافتنی معرفی نکنید

در روزگار تحریف‌ها و استفاده از تکنیک‌های تقطیع و پاره‌حقیقت‌گویی و وارونه‌نمایی وقایع تاریخی، فعالان رسانه‌ای و داستان‌نویسان حوزه دفاع مقدس و حماسه و جهاد، مدافعان حرم روایت صحیح حماسه‌های دفاع مقدس و میدان‌های جهادند. بی‌گمان فعالان این عرصه با تلاش‌شان برای خلق و تولید محتوا امید آن دارند که در عصر جدید و در دوران طوفانی نوجوانانی که سرگشته و حیران دنبال هویت و الگو هستند، خوانش آثارشان چراغ راهی برای خواننده باشد. یکی از روش‌ها در مسائل تربیتی و آموزش نوجوانان، معرفی الگوست. روایت و خوانش زندگی شهیدانی که با ضمیری پاک زندگی‌ای در مسیر صلاح داشته‌اند، بی‌شک می‌تواند در انتخاب مسیر درست برای نسل جوان مؤثر باشد. البته تمام وجوه زندگی شهیدان باید مطرح شود و آنها را



دست‌نیافتنی معرفی نکنیم. در تاریخ هر مرز و جبهه‌هایی وجود دارند که نام آنها در شمار برجستگان تاریخ ثبت شده است، بعضی از این نام‌ها در روایت تاریخ فرهنگ و اندیشه و حماسه جامع به‌گونه‌ای مطرح هستند که به راستی فهم و درک هویت تاریخی و فرهنگی هر جامعه بدون آنها ممکن نیست، در دست همین اهمیت در خور توجه است که شناخت این چهره‌ها را امری لازم می‌سازد. شهیدان هر زمانه‌ای خاصه در تاریخ معاصر و دهه معنوی ۶۰ پاک‌ترین انسان‌های زمانه خود بودند که در آزمون انسان‌سازی و آموزش خداواری با پوشیدن خلعت شهادت، بزرگ‌ترین مسدال افتخار را کسب کردند. این مقصد بدون انتخاب سبک زندگی پاک و معنوی، محقق و مقدر نمی‌شد.



مهناز عباسیان  
روزنامه‌نگار

برای رسیدن به یک چارچوب و نقشه راه در مسیر نوشتن در حوزه پایداری، سراغ کارشناسان و فعالان این حوزه رفتیم و نظرات و پیشنهادهای آنها را در این حوزه جویا شدیم.

عبدالله گنجی، روزنامه‌نگار و کارشناس رسانه

از معرفی الگوهای انسان‌ساز تا مقایسه جنگ‌های ایران



مهم‌ترین نکته‌ای که در روایتگری ایثار مطرح است حرف زدن از مواردی است که برای الگوسازی دست یافتنی هستند. ما داریم اما نکته اینجاست که این الگو باید دست یافتنی به مخاطب و به‌ویژه نسل جوان منتقل شود. به‌عنوان مثال الگوهای عملی و شهدایی که مرگ آگاه بوده یا زندگی عرفانی داشتند مثل شهید چمران و حاج قاسم یا شهید محمد حسین یوسف الهی که سردار سلیمانی وصیت کرد دند کنار آن شهید به خاک سپرده شوند. این الگوها دست یافتنی، باورپذیر، جذاب، آدم‌ساز و هویت‌سازند. یا معرفی شهدایی که زندگی‌های سختی داشتند و برعکس شهدایی که زندگی‌های مرفه داشتند و خانواده‌های ثروتمند آنها حاضر بودند امتیازهای خاصی به او بدهند که جبهه نرود یا امکان تحصیل در خارج از کشور داشتند و حتی عده‌ای در دوران جنگ تحصیلی، از تحصیل در بهترین رشته‌های دانشگاهی از خارج خودشان را برای دفاع به ایران رساندند. نکته دوم پاسخ به شبهات است. این نسل بعد از ۴ دهه از جنگ نگاه متفاوتی به جنگ داشته و دستگاه معرفتی آنها دگرگون شده است. نگاهی بعضاً منفعت‌طلبانه و سودآور به موضوعات دارد و اگر

سردار محمد قاسم ناظر، مدیرعامل موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس

روایت صحیح برای رفع شبهه و ابهام

بسیاری از مسائل اگر به قاعده و در چارچوبی منطقی و عقلانی طرح و بسط شوند، پاسخ متناسب و صحیح را نیز در خود مستتر دارند، پژوهشگر و جوینده‌ای که به دنبال پاسخ خود است، تنها کافی است صورت‌بندی معقول و مناسبی از مسئله داشته باشد. سوالات و شبهاتی که پیرامون انقلاب اسلامی و دفاع مقدس مطرح می‌شوند نیز از این قاعده مستثنا نیستند. اما آنچه در جبهه مقابل انقلاب اسلامی عموماً با قصد و غرض و از طریق جریان‌مثلاً آزاد اطلاعات و اخبار توسط رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی به مخاطب لقا می‌شود، بیش از اینکه بنای پاسخ به سؤال و رفع شبهه و گشودن گره‌ای از ذهن مخاطب را داشته باشد، با دست بردن در روال منطقی طرح سؤال، پاسخ را در حاله‌ای از ابهام فرو می‌برد و مخاطب را سرگردان‌تر از قبیل می‌کند. تأکید عقلای جامعه بر روایت صحیح و دست‌اول از انقلاب اسلامی و دفاع مقدس که این اواخر با عنوان جهاد تبیین از آن یاد می‌شود، در واقع ایجاد جریانی است برای مقابله با همین جریان معوج.

اساسی وجود دارد: اول: گذر زمان از میان رفتن افرادی که خود در صحنه حضور داشته‌اند و مع‌الاسف فقدان آنها روایات دست‌اول و صحیح را به حاق خواهد برد. مبارزان و وزندگان و پیشکسوتانی که ثبت و ضبط تجربه‌ها و دیده‌هایشان، حفظ و نگهداری بخشی از تاریخ است. در این باره گرچه سازمان‌ها، نهادهای افراد زیادی دست‌به‌کار شده‌اند و ذیل عنوان تاریخ شفاهی و مستندنگاری، بخش‌هایی از تاریخ را محافظت کرده‌اند، اما همین جریان نیز با

شبهات این نسل پاسخ داده شود خوب است. کتاب‌های جدید و خوبی هم در زمینه پاسخ به شبهات منتشر شده است. پیشینه‌ها دیگر مقایسه جنگ تحمیلی با جنگ‌های ۲۰۰ سال اخیر ایران است. در این ۲ سده ایران جنگ‌های زیادی با کشورهای مختلف از جمله روسیه، عراق و... داشته است. نتایج این جنگ‌ها، دستاوردهای سیاسی و نحوه مواجهه مردم بسیار مهم است که باید با دفاع مقدس مقایسه و به مخاطب ارائه شود.

ادبیات پایداری  
روایت جاودانگی روح است

سببه عظیمی  
روزنامه‌نگار و نویسنده



ادبیات پایداری در دنیا سبک‌های طولانی دارد؛ شاید از همان وقتی که ملتی تصمیم گرفت به ملتی دیگر حمله کند، ملتی که حمله کرد، نقلی داشت و ملتی که مورد حمله قرار گرفته بود قولی. هر دو اما در یک چیز مشترک بودند؛ خلق ادبیات جنگ. این ادبیات برای گروه اول، حماسه بود و برای گروه دوم، یاداری و مقاومت.

این ادبیات، اما در قرن اخیر، کف‌شاه به سمت پایداری سنگین شد؛ چون ظلم و هجوم بیگانگان، رنگی از حماسه‌نداشت و برعکس، آن ملتی که بر برابر این ظلم، از خود دفاع کرده بود، سربلند از این مقاومت، شروع کرد به نوشتن. نوشتن از مقاومت ملت‌شان، از پایداری برای حفظ خاک‌شان. از ایثار زانی که پایه‌های مردان، جنگ را به دفاع تبدیل کرده بودند.

ادبیات پایداری در ایران هم شاید به اندازه تمام روزهای نامرادی که بر این سرزمین گذشته، سابقه دارد، اما به‌صورت خاص، ادبیاتی است که بعد از ۸ سال جنگ دهه ۶۰ رایج شد. آنچه در این سال گذشت، نه فقط جنگ و خونریزی بود که روایت حماسه بود و ایثار؛ روایت از جان‌گذشتگی بود و همدلی. جنگی که علیه ایران راه افتاد، درست بعد از روزهای پیروزی انقلاب برای ملت ایران، جنگی مثل همه آنچه مردم از تاریخ گذشته‌شان می‌دانستند، نبود. این جنگ، جز ادعای صدام، بر خاک سرزمینی ایران، وسیله‌ای بود برای سرنگونی انقلابی که مردم با هم در شکل‌گیری‌اش نقش داشتند. برای همین هم جنگ، به دفاع تغییر پیدا کرد تا بر خلاف بخشی از تاریخ ایران، وجبی از خاک کشور، از دست نرود.

مردم و مادرانی که در روستایی دورافتاده، پسران و شوهران‌شان را برای حضور در جبهه بدرقه می‌کردند، شاید وژانی به اسم «حفظ تمامیت ارضی» را هیچ‌وقت نشنیده بودند، اما دفاع از کشورشان را وظیفه‌شان می‌دانستند؛ پسران و شوهران‌شان، در خط مقدم خودشان پشت جبهه.

برای همین هم هدف ادبیات پایداری در این سال‌ها، صرفاً روایت جنگ نیست؛ هدفی عالی دارد و مشخص. نگاه این ادبیات به جنگ، سیاه و تاریک نیست. روایان هر چه می‌گویند، روحی متعالی و روشن دارد. روایان با وجود همه‌از دست‌دادن‌ها، آسیب‌ها، دل‌پاره‌ها، بسوگ‌ها، بی‌خانمانی‌ها و زخم‌ها، کام‌شان شیرین است از حفظ تمامیت ارضی؛ از اینکه حتی یک‌کوب از خاک‌شان را به بیگانه نداده‌اند؛ از اینکه حرف امام‌شان روی زمین نمانده است. این، ثمره روایت لحظه‌هایی است که زرمندگان از روزهای جبهه و دفاع، تعریف کرده‌اند. اگر تعریف آنها از روزها، سیاهی بود و مرگ، هیچ‌وقت جنگ، به دفاع تبدیل نمی‌شد. آنها حتی فراتر از این، دفاع‌شان را دفاعی مقدس می‌دیدند و برای همین، از دست‌دادن پای، دستی، یا حتی چشمی، برایشان جان‌بازی بود نه معلولیت.

ادبیات پایداری، برای ایران بعد از دهه ۶۰، حتی روایت پایداری نیست؛ روایت جاودانگی روح است در جوار رحمت حق؛ روایت کسانی است که زمینه‌ساز ظهورند؛ روایت اصحاب آخرالزمانی سیدالشهداست؛ روایت زیبایی و عشق است. روایت پایداری ایرانی‌ها، روایت کربلاست؛ روایت راهی که چه جنگ باشد و چه نباشد؛ از کربلا خواهد گذشت...

